

<http://www.Yashilmisho.com>

Email: [Info@Yashilmisho.com](mailto:Info@Yashilmisho.com)

Print: 1400/07/29



## سفرنامه تفلیس و باتومی و طرابوزان - ۱۳۹۰

سفری به تفلیس، باتومی و طرابوزان

(مردم آنچه را دارند و به آن دسترسی دارند، طالب نیستند بلکه به اطلاعات معنویاتی طالب هستند که فاقد آنند)

سفر کاروان گردشگری ((گروه زیست یاشیل میشو)) به شهرهای یاد شده در بالا:

تا چند قرن پیش، گردشگری به منظور شناخت اوضاع طبیعی، جمعیت، تاریخ و تولدات برخی از کشورهای دور و نزدیک انجام می گرفت، بعد ها گردشگری جنبه تحقیقاتی و اکتشافی بخود گرفت، از آن جمله کشف منابع زیر زمینی و شناخت جهان گیاهان دریائی و زمینی و انواع حیوانات، همچنین سرگذشت تمدنها و صنایع مستظرفه و نظایر آن با روش دانش جدید مورد بررسی قرار گرفت.

در متن اوراق زرین جهان سیاحتنامه های ((هومر)) (ادیسه)، ((ناصر خسرو)) (سفرنامه)، ((ابن بطوطه)) (رحله ابن بطوطه)، ((اولیا جلی)) (سیاحتنامه)، ((زین العابدین مراغه ای)) (ابراهیم بگین سیاحتنامه سی)، و دیگران ثبت شده و دارای منابع (مرجع) ارزشمند معنوی هستند.

کاروان ((یاشیل میشو)) با مدیریت عباس عادل نی و رانندگی آقای توفیق مطلبی و کمک راننده ها و ۴۵ نفر مسافر با ماشین مرسدس بنز در مورخه ۱۳۹۰/۴/۱۵ ش روز چهارشنبه ساعت ۱۱/۴۵ دقیقه شب از شهرستان شبستر که زادگاه شیخ محمود (۲) و معجز شبستری (۳) می باشد، به سوی شهرهای مذکور در بالای حرکت و پس از پشت سر نهادن شهرهای ((صوفیان))، ((مرند)) و گذر از سراهی خوی سپیده دم به مرز بازرگان رسید. پرچم سه رنگ ایران در بلندای مرز در اهتزاز بود.

پس از تشریفات گمرکی و ممهور شدن گذرنامه ها به مهر خروجی در مورخه ۱۳۹۰/۴/۱۶ خورشیدی قدم به خاک جمهوری ترکیه نهادیم ف در مرز ((گور بولاق)) (۱۳۱۵ ش) نیز پرچم سرخ رنگ با آرم مه و اختر سفید در پشت بام مجتمع در اهتزاز بود. مهوور گذرنامه ها، کاروان بسوی شهر کرد نشین ((دوغوبایزید)) (۴) روانه شد.

شهر دوغو بایزید با مساحت ۲/۳۸۳ کیلومتر مربع، منطقه ایست کوهستانی که اغلب زمین هایش بایر و کشتزارها محدود می باشد. تولیدات حومه شهر عبارت از گندم، چغندر قند و دام پروری است. شهر در طول تاریخ تحت حاکمیت اقدام اورارتور، پارس، مقدونیه، سه له و کوس (اعراب، سلجوقیان، مغولان، روسها و ارمنی ها قرار گرفته و در سال ۱۲۹۹ ش از اشغال بیگانگان رهایی یافته است. شهر در کنار راه ترانزیت طرابوزون (۵) و ایران قرار گرفته، فاصله اش تا مرز بازرگان ۳۵ کیلومتر بوده و جمعیتش ۳۵/۲۱۳ نفر می باشد. در ۵ کیلومتری شهر مذکور ((اسحاق پاشاسرای)) (کاخ اسحاق پاشا) در زمینی به مساحت ۷۶۰۰ متر مربع قرار گرفته و دارای دو قطعه حیاط وسیع و چشم انداز معماری جالبی می باشد.

اتوبوس شهر ((دوغوبایزید)) را پشت سر نهاده و مسیر شهر ((اغدیر)) را در پیش گرفت.

اغدیر (نام استانی در منطقه آناتولی (۶) شرق است که با ارمنستان، نخجوان، ایران، آغری و قارص هم مرز می باشد. در این منطقه کوه آغری به ارتفاع ۵/۱۳۷ متر قرار گرفته است. منبع آب این منطقه رود ((ارس)) می باشد که از دامنه شمالی کوههای ((بین گول)) شروع و بسوی شرق در جریان است. محصولاتش کشاورزی و دامداری است و پنیر هلندی (اش شهرت بسزایی دارد و جمعیتش ۳۵/۸۵۸ نفر می باشد.

نا گفته نماند که گروهی از آذری های مهاجر در همین شهر زندگی می کنند در مورد حسرت غربت دو بند بایاتی بزبان ترکی یاد آوری می شود:

اغدیردان آلما آلدیم \* یاریمی یولسالدیم \* یاریم گندندن سونرا \* هیوا کیمی سارالدیم .

اغدیرین آغ آلماسی \* یئمه لی باغ آلماسی \* یارگلدن سونرا \* یارامین ساغالماسی

رویداد تاریخی:

در سال ۱۳۱۳ خورشیدی عبدالرحمان نامی از اطراف شهر مشهور طرابوزون به شهر اغدیر نقل مکان می کند و مغازه ساعتسازی دائر کرده و مشغول کار می شود. از اینکه هنر خطاطی را فرا گرفته بود. لذا تابلوئی نوشته و در محل کتیبه مغازه نصب می کند.

فردای آنروز دو نفر پلیس به مغازه مراجعه و به عبدالرحمن می گویند که والی (استاندار) تو رابه حضور می طلبد. عبدالرحمن پیش

خودش فکر می کند که مرا به استانداری چه کاری می تواند بوده باشد. به هر حال همراه ماموران روانه استانداری می شود. مردم کوچه و بازار وی را نگرسته و پیش خودشان فکر می کردند که این بابای تازه وارد چه خطائی مرتکب شده که اکنون ماموران دولتی وی را جلب کرده اند؟ دقیقی چند هر سه نفر در حضور والی آماده و عرض ادب می کنند. استاندار از عبدالرحمن می پرسد که آیا تو آن تابلو را نوشتی؟

عبدالرحمن می گوید بلی!

والی به سخنانش ادامه داده و می گوید ما به یکنفر تابلو نویس نیازمندیم. اگر برایت مقدور است تابلوهای اماکن عمومی ما را هم بنویس، بدینسان عبدالرحمن هم شغل ساعتسازی را ادامه می دهد و هم تابلو نویسی را. گویا تا آن تاریخ مردم اغدیر از وجود خارجی تابلو بی اطلاع بودند.

اتوبوس کاروان پس از یک ساعت شهر اغدیر را پشت سر گذاشت. در اغلب شهرهای ترکیه، مناره مسجد و رنگهای گوناگون ساختمانها و شیروانی های سفال قرمز جلب توجه می کنند. در مسیر کاروان در دل برخی از تپه ها نوشته بودند. ((وطن ساغ اولسون)) ((زنده باد میهن))، لازم به یاد آوری است که شرکان عثمانی به میهن و پرچم سرخ مه و اختر نشان، خویش احترام خاصی قائلند.

صبحانه در باغچه ای که پذیرای مسافران بین راهی است و در نزدیکی روستای ((حالی قیشلا)) (پادگان مفروش) قرار دارد صرف شد. روستای یاد شده دارای ۵۵ خانوار بوده و منبع در آمد شان از راه کشاورزی و دامداری است. گرمای زمستانی این منطقه از طریق ذغال سنگ و تپاله حیوانی تامین می شود. نان روزانه اهالی با سوخت چوب تهیه می شود. زمین های بین اغدیر و قارص آهکی رسوبی است. از اینکه هنگام چرا ناخن گوسفندان و بزها خاک نرم را سفت می کنند لذا در این منطقه نگهداری گاو و پرورش اسب رواج دارد. در این منطقه آبادی ها از همدیگر خیلی فاصله دارند. در ضمن برخی از خانواده ها بالای کوه خانه ساخته و بزندگی در محیط جنگل سر سبز مشغول هستند. در این دیار تجلی طبیعت زمردین به وضوح مشاهده می شود. در این منطقه سردسیر در فصل زمستان برف زیادی می بارد بهمین دلیل در کنار جاده های پر پیچ و خم میله های متعدد با فاصله چند متری کار گذاشته اند. تا مسیر برف رومی جاده مشخص شود و بولدوزرها با خطر سقوط به گودی ها مواجه نشوند.

ماشین کاروان با سرعت مجاز و مطمئن، شهر ((دیگور)) را پشت سر نهاده و به کنار جاده استان قارص رسید.

قارص ( )

استان قارص در منطقه انا طولی شرقی قرار گرفته از مشرق به ارمنستان، از جنوب شرقی به اغدیر، از جنوب به آغری، از غرب به ارضروم و از شمال به آرداهان متصل می باشد.

شهر یاد شده یکی از قدیمی ترین مناطق مسکونی بشمار می رود. غارهای (( یازیلی قایا )) و ((قوریان آغا)) نشانه ای از قدمت این منطقه به شمار می رود. اقتصاد قارص متکی به کشاورزی دامداری حاشیه ایست. قلعه قارص در سال ۱۱۵۳ م از سوی سلجوقیان بنا شده و بلندی اش ۵۳/۷۰ متر می باشد. کلیسای حواریون (۳۷-۹۳۲ م) در سده ۱۶ میلادی تبدیل به مسجد (( گنبد )) شده است تا سه دهه پیش عده ای کثیری از آذری تباران در شهر قارص مسکن گزیده بودن و مساجد چارسی جامعی، آذری جامعی، یثنی محله جامعی و قمر جامعی متعل به آنان است.

در حال حاضر جمعیت آذری تباران تقلیل یافته است. جمعیت شهر بالغ بر هشتاد هزار نفر بوده و از سال ۱۳۰۲ شمسی دارای شهرداری است.

اتوبوس کاروان پس از چند دقیقه درنگ، به راهش ادامه داده و شهرک های هاناک، دامال و امین بیگ را پشت سر نهاد.

درو در کاروان گروه زیست محیطی یاشیل میشو به کشور گرجستان.

در تاریخ ۱۶/۰۴/۱۳۹۰ ش. اتوبوس کاروان از مرز ((تورک گوزی)) وارد خاک گرجستان شد.

کشور گرجستان:

نیاکان گرجی ها از دوران کهن، از زندگی گروهی به زندگی قبیله ای تبدیل شده و سپس

بمرور جامعه گرجی تباران را تشکیل داده اند. در حال حاضر گرجستان دارای پنج میلیون و نیم جمعیت می باشد. از این جمعیت ۶۸/۸٪ گرجی، ۹٪ ارمنی، ۷/۴٪ روس، ۵/۱٪ آذری، ۳/۲٪ اوستتلی، ۹/۹٪ یونانی تبار، ۱/۷٪ آبخاز میباشند، در هر کیلومتر مربع ۷۳ نفر زندگی می کنند. بیشتر اهالی، در ساحل دریای سیاه و در نواحی کوهستانی زندگی می کنند. اهالی شهر نشین ۵۱/۱٪ میباشند. شهرهای بزرگ عبارت از تفلیس، کوتائسی، روستاوی، باطوم و سوخومی است.

اراضی گرجستان از مشرق دریای سیاه شروع شده و در سرتاسر بخش جنوبی کوههای بزرگ قفقاز گسترده است.

این کشور از شمال با فدراسیون روسیه از جنوب با ارمنستان و ترکیه، از جنوب شرقی و از مشرق با آذربایجان شمالی، هم مرز می باشد.

مساحت کشور کوهستانی یاد شده ۶۹۷۰۰ کیلو متر مربع بوده و عصر طلائی اش در زمان ژرژ دوم و دخترش ((تامارا)) بود. استقلال مجددش را در مورخه ۲۰ فروردین ۱۳۷۰ به دست آورده است پرچم گرجستان با زمینه سفید و دارا بودن صلیب سرخ رنگ بطور افقی و عمودی و چهار صلیب کوچک در درون چهار زاویه مستطیلی، در اغلب اماکن کشوری در حال اهتزاز می باشد.

الفبای گرجی با قدرت یکهزار و هفتصد ساله، دارای ۳۳ حرف بوده و فاقد حروف بزرگ می باشد.

کشور یاد شده به سه حوزه ذیل تقسی م شده است.

بخش کوهستانی قفقاز بزرگ ۲- بیلاق گرجستان جنوبی ۳- ماهور بین دو بخش فوق

در حدود یک سوم از اراضی گرجستان پوشیده از جنگل و بوته زار است.

مشاهیر گرجی:

شوشا نیکیس تزامبیا (۴۷۶-۴۸۳م) اولین اثر گرجی رابه نام ((رنجهای شوشانیک)) آفریده است.

آلکساندر چاواوا دزه (۱۷۸۶-۱۸۴۶م)

شوتا روستاوتلی (۱۲-۱۳م) نویسنده بهترین اثر گرجی به نام ((پهلوان پلنگ پوستین))

داوید قورامیشویلی ۱۷۹۲م. خواهان استقلال گرجستان، اثر ((مصائب گرجستان)) از اوست.

یاکوو نیکولادزه (۱۸۷۶-۱۹۵۱م) نقاش.

گورگی لئونیدزه (۱۸۹۹-۱۹۶۶م) شاعر برجسته که می گفت: گیاهان مستور از شبنم و خاک پر از لاله سرخ، دوران مطلوب فرا رسیده، در این باره شب و روز در دیار متسختی، رودهای آراقوا و کور ترانه شادی می خوانند.

مبلغ مسیحی:

(( نینو)) ی مقدس از اهل ((کاپادوکیا\*)) مسیحیت را در منطقه گرجستان رواج بخشید.

کوه های مرتع گرجستان عبارت اند از :

شهارا ۵۰۶۸ متر - روستاوتلی ۴۹۶۰ متر - تت نولنس ۴۸۵۲ متر - اوشیا ۴۷۰۰ متر.

\* نام منطقه قدیمی است که شهرهای قیرشهر، نوشهر، آق سرای، نیغده، قیصری، یوزقات و مالاتیا (مه له ته نه) در آن دیار قرار گرفته اند

در مرز واله () گرجستان بدون معطلی تشریفات گمرکی انجام یافت و اتوبوس برو، بدون نقص فنی راه آسفالت تفریس را در پیش گرفت. در طول مسیر با هیچگونه زمین بایر و بیاض روبرو نشدیم. هرچه چشم کار می کرد، کوهها، تپه ها، دره ها، گودالها و درختان جنگلی و سرسبز و خیره کننده جلب توجه می کردند. طرفین، متراکم و مترادف از درختان پر برگ جنگلی بود. بیننده و تماشاگر با ذوق و طبیعت دوست چنین می پنداشت که حضرت خضر زنده شده و با گشت و گذار خویش و پهن کردن خرقة زمردینش، دشت و دمن و زمین و زمان کشور کوهستانی و بارانی گرجستان را که مابین سلسله کوههای بزرگ و کوچک قفقاز قرار گرفته، سبزپوش کرده است.

با پشت سر نهادن شهرهای آخال تسیخه، بورژومی، خاشوری، آگارا، کاره لی، قوری، کاسپی، دزق وی، میتس خیتاد () و آدچالا، شب هنگام به شهر باستانی تفریس رسیدیم. اتوبوس کاروان در خیابان ((آنجا پاریدزه ی یک)) پارک کرد. از اینکه ماشین برای چند دقیقه در محل توقف ممنوع پارک کرده بود، سه نفر پلیس که یکی خانم بود، فوراً سر رسیدند و با راهنمایی مأمورین، ماشین به محل پارک مجاز هدایت شد، ناگفته نماند که برخورد پلیس ها خیلی مؤدبانه بود.

تمامی مسافران، از زن و مرد و کودک در هتل ایلی یانی () که قبلاً رزرو شده بود، جایجا شدیم.

تفریس ()

پایتخت کشور گرجستان در تقاطع سلسله کوههای ((تری آلتی)) و ((کارتلی)) قرار گرفته و رود کور\* () از وسط شهر زیبای تفریس می گذرد. این شهر

\* بزرگترین نهر قفقاز رود کور می باشد که بطول ۱۳۶۴ کیلومتر از بیلاق های شهر قارص تراوش کرده و به دریای خزر میریزد. شهرهای آرداهان (ترکیه)، بورژومی، قوری، میتسخیتا، تفریس، روستاوی (گرجستان)، مینگه چئوپر، یتولاق، زرداب، صابر آباد، علی بایراملی، سالیان (آذربایجان) در ساحل کور قرار گرفته اند

بافت شهر زیبا و تاریخی تفریس از طرف شرق و غرب، در دو سوی رود کور ۸ با پهنای ۵۰۰ متر متغیر و هفت پل آمد و شد، در یک فضای سبز و خیره کننده و آرام بخش گسترده شده است.

میدان مرکزی تاوی سولیبئا (لنین قبلی) و خیابان روستاوتلی که مرکز ثقل پایتخت بشمار می روند، در بخش جنوبی رودخانه قرار گرفته اند.

در سطح شهر: دانشگاه روستاوتلی، آکادمی علوم گرجستان (۱۳۲۰ ش)، اوپرا و تئاتر باله تفریس (۱۲۳۱ ش)،

تئاتر ۹ روستاوتلی (۱۳۰۰ ش)، فیلامونی تفریس (۱۳۵۰ ش)، حصار ۱۰ شهر تفریس، (تأسیسات تحقیقی، موزه

های: مستنظر فیه (۱۳۱۷ ش)، ملی گرجستان، باستان شناسی، گالری و...، ساختمان های سنگی با رنگ آمیزی های گوناگون و تو دل

برو، تندیسهای مشاهیر گرجی. بسان: روستاوتلی، مادر گرجستان، ژرنال باگرات (۱۷۶۵-۱۸۱۲ م)، زن بازیگر تئاتر، دانشگاهیان در

پارک اونیورسیتیه، آگاکای ستره تلی (۱۸۱۱-۱۸۶۴ م)، گالاکی اون اسیلی یتویچ (۱۸۹۲-۱۹۵۹ م)، نمونه ای از یک ورزشکار و دهها

مجسمه دیگر جلب توجه می کنند. دریغا که مجسمه روی قبر میرزا فتحعلی آخوندوف (۱۸۱۲ شکی - ۱۸۷۸/۰۳/۱۰ م تفریس) به

جای نامعلومی انتقال داده شده است.

متروی پررونق (۱۳۴۵ش) که درب های اتوماتیکش بسان درهای خیالی و افسانه ای، در داستان شیرین ((ملک محمد)) بدون وقفه در حال باز و بسته شدن

هستند، این اسب آهنی بدون خستگی مشغول جابجا کردن مسافران شهر ومهمانان خارجی است.

کلیساهای تاریخی:

سامتبا ((کلیسای بزرگ))، سانتیور و دهها نیایشگاه دیگر، معماری ونماد ابنیه، پاکیزگی شهر، فرهنگ مطلوب جامعه، تمیز و ارزان پوشی بانوان و دختران، اسامی مشاهیر گرجی در تابلوهای خیابانی، ساختمان ریاست جمهوری، پارک باغ وحش، نورپردازی شبانه شهر و صدها زیندگی دیگر، هر تماشاگر منصف را به تحسین وامی دارد.

گالری تزئینی مذهبی:

ساختمان گالری اورنمانت که مختص اشیا عتیقه و یادگاری مذهب ارتدکس می باشد، اغلب اجناس ویتیرین ها، از طلا، نقره و مینا ساخته شده اند. از آنجمله می توان به تصویر های گوناگون حضرت عیسی (ع) و حضرت مریم عذرا ((دختر عمران، شمایل پارسایان مسیحی، کمر بندهای زرین، تاج طلایی کشیش اعظم، نیم تاجهای منقش، موج بندها، گل سینه ها، گردنبند ها، شطه ها، سینه ریز ها، دکورهای دست ساز، چهارچوبه ای سه دری شمالی، گوشواره ها، الواح مذهبی، سیخ موی زنانه و مانند آنها اشاره کرد.

موزه باستان شناسی:

در درون اتاقهای متعدد و سقف بلند ((موزه گنجینه)) تندیس کیسه کش حمام، مشتری ومشت مالی مرسوم در سده های گذشته، الواح، عکسها ونوشته های قاب گرفته شده، تأسیس راه آهن گرجستان (۹۰-۱۸۸۹م)، لکوموتیو (ماشین بخار) ذغال سنگی، ریلهای آهن همچنین صحنه های نبرد خونین با ارتش شوروی (سابق) در بین سالهای ۱۳۲۰-۱۳۰۰ خورشیدی، انواع مسلسلهای چرخ دار، تفنگهای گوناگون (دایان دولدوردوم)، کیف های آویز، تن پوشهای گوناگون ارتشی، زین اسبان، درب مستحکم زندان (زنده دان)، نقشه های متعدد، عکسهای تکی و دسته جمعی کشته شدگان در میدان جنگ، تاریکخانه های ظهور فیلم، شعارهای (شوروی را نمی خواهیم) و صدها آثار تاریخی و اشیاقدیمی جلب توجه می کنند.

با اینهمه زیبایی و پرازندگی مادی و معنوی یاد شده در بالا، طراحان پشت پرده ای سنگدل، تضاد طبقاتی شدید را به ملت کهن گرجستان نیز، عمدا تحمیل کرده اند تا منافع سرشارشان از طریق فروش اسلحه، موبایل و ترویج مصرف گرایی خدشه دار نشود. چنانچه از روی فقر و درماندگی، زنی جوان در وسط پیاده رو خیابان ((روستاوئلی)) روی صندلی تاشوی پارچه ای نشسته، بچه خردسالی در بغل و لیوان پلاستیکی در دست مشغول دریوزگی بود. چندصد متر آن طرف تر، زنی نا پیدا بچه خردسالی را در وسط پیاده رو به درازا در روی پتو خوابانده و خود از انظار رهگذران پنهان شده بود. برخی از رهگذران رحمدل چند سکه ((لاری)) به روی پتوی بچه می انداختند. در اغلب خیابانهای مرکزی تفلیس، گدایان مسن و جوان با قیافه های آرام و ناهمگون مشغول در یوزگی بودند. از وضع موجود چنین استنباط می شود که وضع اقتصادی قشر پائین جامعه رضایت بخش نیست.

معجز شبستری در آثار منظوم و ماندگار خویش نامی از شهر تفلیس برده و چنین سروده است:

من گلنده یازیدی \*\*\*\*\* خرج راهیم آزیدی

قدم قویدوم باطوم \*\*\*\*\* لعنت گلسین ذاتیما

ساندیم تومان، دونی \*\*\*\*\* یوخ اولدی ایشین سونی

آلدیم بش-اون اسکناس \*\*\*\*\* دیدئم یا حضرت عباس

سوار اولدوم ماشینا \*\*\*\*\* گلدیم تفلیس باشینا

... ۲۱ تیرماه ۱۲۸۵

پس از پایان جنگ جهانی اول (۱۲۹۳-۱۲۹۷ش) راه استانبول از سوی متفقین مسدود شده بود، از این که اقتصاد اغلب خانواده های شبستر، متکی به وجه ارسالی (برات) غربتکشان خویش از شهر افسانه ای استانبول بودند. لذا شاعر

دلسوز و انساندوست روزهای تنگدستی و بیکاری آن سالها را چنین به نظم کشیده است:

نه ((تفلیس)) هه سفروار، نه شهر استانبولا

نه وطنده چوره گی، گنتسین هارا گونئیلی؟

روز شنبه ۱۳۹۰/۴/۱۸ش (۹ تموز ۲۰۱۱م) پس از دو شبانه روز اقامت گذرا در شهر تاریخی و زمردین تفلیس، ساعت ۱۱ صبح هتل ((یلی یانی)) را ترک و اتوبوس کاروان به مقصد شهر باطوم به سوی غرب گرجستان که به سواحل دریای سیاه منتهی می شود، حرکت کرد. در خیابان مثلی کیشویلی بانوی مؤدبی با تکان دادن دست و لبخند نمکین مارا مورد لطف قرار داده و بدرقه می نمود، ما هم متقابلا آن بانوی خوش برخورد را به عنوان نماینده غیابی ۱۲۷۹۰۰۰ نفر جمعیت تفلیس به شمار آورده و دست تکان

می دادیم.

مسافران شادمان از فضای سرسبز و خوشنود از فرهنگ مردم، خیابانهای پاکیزه، ماشین های لوکس (در کنار فقر پنهانی)، ساختمان های سنگی و نوبنیاد، تپه های سبز پوش، درختان انبوه، تندیسهای مشاهیر گرجی را پشت سر نهاده و از شمال رود کورد در حال حرکت بودند، پس از دقایقی شهر خاطره انگیز تفلیس از چشمها ناپدید گردید.

در مسیر راه آسفالت، تپه ها، ماهورها، کوههای کم ارتفاع، درختان پر برگ، زمینهای سبز پوش،

که گاهی پرندگان جلوه گری می نمودند. نزدیک به نیمروز، در ابتدای شهر کبئب نیسی (که در فاصله دو کیلومتری جاده آسفالتی قرار گرفته، در دامنه کلیسای کوچک و امامزاده (آرامگاه پارسا) محقر که هر دو به امان خدا رها شده اند، اتراق کرده و صبحانه دلچسپی را صرف کردیم.

در این منطقه، بخار جنگلها فضای بالای کوهها را کمی تیره رنگ نموده اند.

در مسیر جاده ها، پلیس راهنمایی و رانندگی مدام در حال گشت می باشد.

از این که کشور گرجستان در یک منطقه کوهستانی و بارندگی قرار گرفته، از این رو دامپروری بیش از کشاورزی اهمیت کسب کرده است.

در طول راه، برخی از آبادی ها به هم پیوسته و پراکنده، در درون جنگلها، در بالای تپه ها، در تپه ها و در کنار جاده ها ساخته شده اند، چشم انداز چنین خانه ها به منزله بهشت رو زمین بسیار تماشایی و دلپذیرند.

در میانه راه تفلیس و باطوم، راه آسفالت تا حدی هموار و مستقیم است، با توجه به این که سراسر کشور مملو از جنگل طبیعی و زمین های سرسبز است، با این حال دولت مدبر و دوراندیش گرجستان جنگلهای مصنوعی را توسعه و گسترش می دهد.

راه برگشت کاروان در شهر خاشوری به پایان رسید، پس از شهر یادشده، شهرها و روستاهای متعددی را پشت سر نهاده و شبانگاه به پارک بین راهی چیچینا تئلاکه در نزدیکی شهر کوبولتی قرار گرفته، وارد شدیم. پارک تازه تاسیس و گسترده واقعا جالب و تماشایی است، به ویژه دایناسورهای پلاستیکی متحرک بیشتر جلب توجه می کردند. شام در کنار پارک صرف شد، سپس ساعت ۱۰ شب، اتوبوس به سوی شهر باطوم حرکت کرد. شب هنگام سایه درختان کنار جاده به روی آسفالت افتاده بود و اشکال گوناگون سایه ها، چشم انداز جالب و رویایی را در ضمیر انسان ترسیم می نمودند. پاسی از شب گذشته، ((کاروان یاشیل میشو)) به شهر و بندر تاریخی باطوم رسید، همگی در هتل آقو آروس که قبلا رزرو شده بود جایجا شدیم و سپس به پارک ۶مای روانه شده در کنار دریاچه پارک دقایقی چند آرمیده و پس از هواخوری کوتاه به هتل برگشتیم

باطوم (باطومی) (۱۲۶۲ش)

شهر و بندریست تاریخی که به نام خودگردان (آجارا-) در منتهی الیه راه آهن سرتاسری قفقاز همچنین در ساحل دریای سیاه قرار گرفته است. تاریخ بنایش به اواسط قرون وسطی می رسد. در سطح شهر: ساختمان های پارلمان (مجلس)، دانشگاه کنسرواتوار، انستیتو (انجمن علمی و ادبی)، پلی تکنیک (فنی و حرفه ای)، تربیت معلم، تئاتر، موزه باستان شناسی، سیرک، سالن هنر نقاشی، موزه استالین (متروک)، کلیسای ماریا، مسجد مسلمین، همچنین مجسمه پوسیدون، مدیا (اسطوره ای)، پلايشگاه نفت باکو (۱۲۸۶ش)، کارخانه های کشتی سازی، تولید دینام، سرب روکش دار، مبل سازی قرار گرفت اند. جمعیت شهر بالغ بر ۱۳۶ هزار نفر می باشد (۱۳۶۸ش) در شهر باطوم ترافیک وسائط نقلیه مفهوم پیدا نمی کند. قیمت بلیط مینی بوس معادل ۳۵۰ تومان می باشد. آسفالت برخی از خیابانهای شهر چنگی به دل نمی زنند و خانه های حومه شهر نابسامان بوده و برخی از خانواده ها گاو نگه می دارند. با این همه نا رسایی ساختمان های تاریخی و یادگاری که از زمان رژیم سوسیالیستی به جا مانده اند و همچنین ابنیه نوبنیاد شیک و سنگی توجه هر بیننده را به سوی خود جلب می کند

تئاتر درام باطوم:

ساختمان مستطیل و آبرومند تئاتر در میدان بزرگ، واقع در کنار خیابان روستاوتلی قرار گرفته و نورپردازی شبانه اش بسیار رویایی می نماید.

موزه هنر نقاشی:

در این موزه دو طبقه، نقاشی های متعددی به معرض نمایش گزارده شده است، جای خوشبختی است که نقاشی گاو ماده ای که از قلم موی نیکوپیر عثمان تراوش یافته، شهرت جهانی کسب کرده است.

موزه استالین:

بنا به سیاست موجود کشور گرجستان، موزه ژوزف (یوسف) جوگاشویلی (۱۲۵۸ قوری - ۱۳۳۲ش. مسکو) واقع در خیابان پوشکین باطوم، متروک و به امان خدا رها شده است.

مجسمه پوسیدون:

تندیس تمام قد پوسیدون با در دست داشتن نیزه سه شاخ مشهورش، در میدانی بزرگ در کنار خیابان روستاوتلی، در بالای سکوی بلند و چهار گوشه ی سنگی سرپا ایستاده، مثل اینکه افق دریاها ی بیکران را می نگرند. در سطح پایینی پاهایش آب های فواره ای از دهان ماهیان سنگی جاری شده و به درون گودال های سنگی چهارسوی مجسمه می ریزند. شگفتا که نورپردازی مجسمه پوسیدون در دل شب بسیار تماشایی و خیال انگیز می باشد.

پوسیدون مرمرین:

پوسیدون (۱۳۵ ق.م) به معنی سرور جهان می باشد. وی فرزند کروئوس و رثیا وهم چنین برادر زئوس و هادئس به شمار می رود. پوسیدون یکی از خدایان المپ و حامی دریاها و اسب سواران و ارا به رانان بوده که با بدن ورزیده، ریش پرپشت و پوشش پارچه ای کمر به پایین، نیزه دسته بلند سه شاخ را در دست راست گرفته است. از فرم نیزه چنین استنباط می شود که درازمنه قدیم، این ابزار برای شکار ماهیان بزرگ دریا کاربرد داشته است.

در حال حاضر مجسمه مرمرین پوسیدون (۲ ق.م) که در جزیره متلوس یونان پیدا شده است، در موزه باستان شناسی ملی آتن نگهداری می شود.

مدیا):

نمونه و سمبل مجسمه زن افسونگر یونانی و دختر ائین پادشاه کولخیدا است که به طور سرپا، در وسط میدانی، در سر ستونی بلند نصب شده است و در دست راستش تصویر گاوی را به طور واژگون بشکل سنگ تا شده نگه داشته است.

این زن جادوگر و سحر باز، برای یافتن پشم طلایی به یاسون یاری نموده و با وی به یونان رفته است، شخصیت وی در ادبیات و موسیقی نیز جای پا پیدا کرده است.

بازار تره بار باطوم:

این بازار به نام پاراخی نامیده شده و دارای غرفه های جداگانه سبزی فروشی، میوه فروشی، مواد غذایی و ترشیجات می باشد.

اقلام هندوانه درشت و پوست کلفت، گوجه، هلو، آلو ی زرد و سیاه، پیاز، جعفری، گیلان، فلفل سبز، سیر، بادنجان (بادنگان) سیاه، ترشیجات و سگ انگور (قوش اوزومو مانند ایران مطلوب می باشند ولی گلابی، خیار سبز و چنبر، لوبیا سبز، چنگی به دل نمی زدند. امروز به علت بارندگی هوا، دادوستد در میدان تره بار باطوم کم رونق بود. در این بازار نه چندان گسترده، اغلب فروشندگان را زنان غیر تمند گرجی تشکیل می دهند. روز دوشنبه ۲۰/۴/۱۳۹۰ ش (۱۱ تموز ۲۰۱۱ م) پس از دو شب آرمیدن در هتل آفو آروس باطوم، هنگامی که انوار خورشید حیات بخش منطقه را روشن کرده بود، به سوی کشور ترکیه روانه شدیم. در بین راه، نزدیک به مرز گرجستان و ترکیه، اتوبوس کاروان جهت رفع نیاز طبیعی دقیقی درنگ کرد. در سمت چپ جاده، در درون گودال کم عمق، در کنار آبشار ضعیف کوهستانی، در دل دیوار سنگی، تندیس برنزی دونفره نصب شده بود. گرچه کتیبه انگلیسی به طور گسیخته گسیخته خوانده شد ولی شناسایی هیکل مذکور مفهوم نشد.

هنگام نیمروز از سالن آراسته و پاکیزه مرزسارپی گرجستان گذشته و بدون معطلی، در عرض چند دقیقه وارد مرزسارپ ترکیه شدیم. بدین سان نمای کلیساهای بین راهی را پشت سر نهاده و تماشاگر نمای مناره های مساجد اسلامی شدیم.

در این منطقه، دریای سیاه در سمت راست قرار گرفته و ساحل مانند سرزمین گرجستان سبزپوش می باشد، جنگل های کوهستانی بسیار تماشایی و خیره کننده هستند.

تا شهر تاریخی طرابزون، شهرها و شهرک های ساحلی ((هوپا))، ((آرهادی))، ((فیندیقلی، بازار، ریزه))، ((دره بازاری))، ((الی دره))، ((اوف)) (سورمه نه، آراکلی، آرسین)) و ((یومرا)) را در پیش رو داشتیم.

ساعت یازده صبحانه گروهی در کنار جاده شهر آرهادی صرف شد.

آرهادی:

شهرستان آرهادی وابسته به استان آرتوین در منطقه کوهستانی و جنگلی، هم چنین در کنار راه ساحلی دریای سیاه با مساحت ۳۱۴ کیلومتر مربع و جمعیت ۱۰۴۸ نفری قرار گرفته و دارای کارخانه چای خشک کنی است.

تولیداتش عبارت از چای سبز، فندق، میوه سر درختی، بلال و به مقدار کم جو و گندم می باشد. در روز روشن آن هم در فصل تابستان پیمودن بخشی از ساحل شرقی دریای سیاه، به راستی تماشایی و خاطره انگیز می باشد.

طبق برنامه قبلی کاروان قرار بود که چند نفر از کوهنوردان به قله کوه کاچکار واقع در ۴۰ کیلومتری شهر ((بازار)) صعود کنند ولی به انگیزه ضیق وقت و صلاح دید گرداننده کاروان و کوهنوردان کار آزموده و با سابقه از این برنامه صرف نظر شد.

## کوه کاجکار:

این کوه نامی با ارتفاع ۳۹۳۲ متر بلندترین کوه سلسله کوههای دریای سیاه در بخش شرقی می باشد که در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر بازاقرار گرفته و قله اش در درون مرزهای استان آرتوین قرار دارد. بنا به تشخیص باستان شناسان، عمر کوه بیش از چند میلیون سال می باشد.

کوه کاجکار دارای ۱۳ تالاب سر قطعه وادی کوه یخی و همچنین جنگلهای انبوه، چمنزارهای مصفا، درختان صنوبر، کاج و قیزیل آغاج می باشد.

روستائیان اطراف گوسفندان خویش را در همین جا می چرانند.

کوه یادشده با آنهمه زیبایی های طبیعی اش روح کوهنوردان را نوازش داده و ماهی استخرهایش رانیز به آنها ارزانی می دارد.

اتوبوس کاروان شهرهای یادشده قبلی را همچنان مرکز طرابزون را پشت سر نهاده و به مقصد پانسیون لاله واقع در آقچه قلعه (۲۰ کیلومتری مرکز) راه غربی ساحل را می پیمود. فاصله بین مرزسارپ تا پانسیون مذکور در حدود ۲۰۰ کیلومتر می باشد. در طول راه، چشم انداز تونلهای طویل و روشن، تابلوهای رنگین اخطار (تابع مقررات باشید)، ساختمان های رنگارنگ چندین طبقه با شیروانی های سفال قرمز و فضای سبزپوش منطقه بسان مینوی روی زمین جلوه گری می نمودند.

## نگارنده این سطور

در مدت ۶۲ سال، بیش از ده بار به شهر افسانه ای استانبول (ایستین پولین- بسوی شهر) سفر کرده و زیبایی های طبیعی اش را از قبیل، شبه جزیره ثلاثه، خلیج شاه زرین، جزایر نه گانه پرنس، سواحل بسفر واژه، جنگلهای بلگراد، تپه های چاملیجا، گودالهای متعدد، هفت تپه مشهور (ابتا- لافوس) شهر را از نزدیک مشاهده و از تماشایش لذت معنوی برده ام. واز دوران جوانی در ته دلم آرزو داشتم که ای کاش گشت و گذار در سواحل دریای سیاه نصیبم می شد. در حال حاضر از شرایط زمان و مکان سپاسگزارم که دیدار بخشی از سواحل دریای سیاه را نصیبم نمود.

در دل شبی مه آلود که نم نم باران در سطح آب های صاف . نیلگون دریای سیاه امواج خوشایند ایجاد می کرد و نور چراغ های جاده سامسون، خانه های ساحلی و قایق های موتوری متوقف سوسو زده و فضای محل را رویایی و شاعرانه می نمودند. وارد پانسیون لاله شدیم.

## طرابزون (-مستطیل):

از شهرهای قدیمی و تجاری بندری می باشد که در اواسط قرن ۷ ق.م از سوی)) میله توس)) (ها ساخته شد، در ادوار مختلف تحت حاکمیت پادشاهی پونت، روم، ایران، اسکندر مقدونی، قرار گرفته و از قرن ۵م به بعد با بیزانس متحد گردید.

در سال ۱۲۰۴ م خاندان)) کومننوس)) (با یاری)) تامارا)) (شهبانوی گرجستان، امپراتوری طرابزون را به وجود آوردند و در سال ۱۲۴۳ جزیه ده مغولها شدند.

اوزون حسن پادشاه مقتدر آق قویونلو با)) (دسپینا)) ((- دختر جوان) خاتون مسیحی ازدواج کرد و با این خوشاوندی روابط تجاری کشورش را با طرابزون گسترش داد. در آن سده ها جمعیت طرابزون را یونانیان، گرجیان و ارمنیان تشکیل می دادند و تولیداتشان عبارتند از گندم و انگور بود، تجارت آنان با کشورهای ساحل دریای سیاه و قفقاز نروپوتامیا (بین النهرین عراق) رونق به سزایی داشت.

در تاریخ ۱۵ آگوست ۱۴۶۱ م امپراتوری طرابزون از سوی سلطان محمد فاتح گشوده شد و مدتها ولیعهد نشین بود، شاهزادگان در این شهر مصفا آموزش دیده و سپس به پادشاهی عثمانی می رسیدند.

این شهر پر آوازه از سال ۱۲۴۷ خورشیدی دارای اداره شهرداری است، دریغا که در سال ۱۲۹۵ خورشیدی، مدتی تحت اشغال روسها قرار گرفت.

طرابزون کنونی با اراضی کم عرض و مساحت ۴۶۸۵ کیلومتر مربع و جمعیت؟ در نوار ساحلی، بخش شرقی دریای سیاه قرار گرفته و از شرق با ((ریزه))، از جنوب شرقی با ((بایبورت))، از جنوب با ((گوموشخانه))، از غرب با استان ((گیره سون)) و از شمال بادیای سیاه محدود می باشد. شهر مذکور با چشم انداز های طبیعی و افسونگر، در یک منطقه کوهستانی و ماهور سرسبز قرار گرفته و دارای کارخانه های کشتی سازی، سیمان، دانشگاه، فرودگاه، موزه های، طرابزون ((ایصوفیه ۱۱))، آتاتورک کوشکی، مساجد متعدد، قلعه باستانی، تندیس فلزی سلطان سلیمان قانونی، پشته ی زمردین ((بوز تپه))، ((دش خان)) (ساختمان سنگی) و جاهای دیدنی زیادی است. دریغا که چنین شهری دارای صنایع سنگی نیست.

تولیدات استان عبارت از کشاورزی، ماهیگیری، جنگلداری، چاپکاری، سیب زمینی، فندق، بلال و میوه درختی شبیه هلو به نام قارا خورما یا یهودی خورماسی و حلوی شگری است.

کشتی غولپیکر() که حامل انسان و خودرو می باشد هفته ای یکبار بین شهرهای طرابزون و استانبول رفت و آمد می کند.

معجز نامیرا در متن شعر ((بوشلا گنده)) درباره طرابزون سده پیش چنین سروده است:

طرابزون یولی یکپاره داغدی- داشدی، دره، گلنده روسیه دن گل، اوایانی بوشلا گنده



روز سه شنبه ۱۳۹۰/۴/۲۱ ش (۱۳ ترموز ۲۰۱۱م) بامدادان اغلب مسافران در نظر داشتند که با ماشین کاروان به گشت و گذار در مرکز شهر بروند. نگارنده این سطور به تنهایی از ایستگاه ((آقچه قلعه)) در روبرو پانسیون ((لاله)) سوار مینی بوس شده و با پرداخت معادل ۱۷۵۰ تومان از حومه به مرکز شهر روانه شدم. قبل از هر اقدامی به مرکز فرهنگی جهانگردی مراجعه نقشه و جزوه شناسایی شهر را تهیه کردم.

خیابانهای سربالایی و سرازیری طرابزون اغلب سنگفرش قالبی هستند، عمر مفید چنین خیابانها به صدها سال می رسد. فهرست یادداشتهای ضروری را مرور کرده و متوجه شدم که قرار است، بنا به سفارش دوست ادب پرورم آقای رضا همراز، در شهر یادشده ((دکتر ارن اوزون)) نامی را بدون در دست داشتن آدرس و تلفن جستجو و پیدا کنم.

هنگام قدم زدن در محله ی جمهوری و اردانتشارات طرابزون شده و کتابهای ((کستانه قاراسی)) و ((تورک دیلینده یونان سوزلری)) را جویا شده و نام دکتر ارن اوزون را بر زبان آوردم. بر حسب حسن تصادف، وی را می شناختند ولی کتابهای مذکور را نداشتند، با نهایت لطف و مهمان نوازی وسیله تلفن دکتر را پیدا کرده و به مغازه انتشارات دعوت نمودند. پس از چند دقیقه با نامبرده مشتاقانه دیدار و قرار شد فردا با هم به جاهای دیدنی شهر برویم. با تشکر و خداحافظی از مسئول انتشارات، چند خیابان آنطرف تر، با همسرم آقای احمد سلیمی فرد ۱۲ (نویسنده) روبرو شده و پس از دقایقی، در رستوران حران (مرد بسیار تشنه) ناهار را باهم صرف کردیم، هنگام تسویه حساب وجه، وی پیشنهادی کرده و گفت: چون چند سال پیش در ساحل ((بسفر)) استانبول مرا به ناهار مهمان کرده بودی لذا من هم، اکنون تورا به غذای ماهی مهمان می کنم. به هر حال هر دو خندیدیم آنگاه وی به سوی ماشین پارک شده در ساحل روانه شد تا بیاساید.

در ایستگاه ویژه به یکی از مینی بوس های بوز تپه سوار شده و با پرداخت معادل ۲۱۰۰ تومان به محل پارک کم عرض و طویل که در یکی از بلندترین نقطه شهر قرار گرفته، روانه شدم، این مکان مینووش مشرف به ساختار شهر و دریای سیاه قرار گرفته، چایخانه های متعدد روباز را در دل خویش جای داده است در این محل مصفا، چشم انداز تجمع خانواده های بومی و گردشگران خارجی، همچنین چیده شدن سماورهای سیمین، استکان ها و قندان های بلورین بر روی میزها، بسیار تماشایی و شاعرانه است. انسان هنگام نوشیدن چای محصول شهر ریزه چنان می پندارد که ساختار شهر و آبهای دریا را در دید قدرتش گرفته است.

ناگفته نماند که آواز پرندگان، ورزش نسیم ملایم و تکان خوردن برگ درختان جنگلی و صدای نمکین و میمیک دست و صورت کودکان، جلوه خاص و دوست داشتنی به پارک می دادند.

هنگام غروب به ساحل رفته و تندیس نیم تنه فلزی و فرمانروای بزرگ ترک به نام سلطان سلیمان قانونی (۱۴۹۵ طرابزون - ۱۵۶۶م زیفتوار (شهید)) را تماشا کرده و در دل خویش می گفتم: قانون ازلی و ابدی و یا ((اولی یوخ، اولی بی ابتدا، آخری یوخ، آخری بی انتها)) بدون شناسایی و تبعیض بین شاه و گدا، موجودات فرسوده را به دیار بی برگشت روانه کرده و نسل نوین و تازه نفس را در آغوش گرم و پر مهر خویش می پروراند.

#### کلیسای ایاصوفیه :

کلیسای مذکور با زیربنای شبیه صلیب یونانی و سه مدخل در محله ((فاتح)) طرابزون قرار گرفته است. این نیایشگاه مسیحی ارتدکس در بین سالهای ۶۳-۱۲۳۸م از طرف مانوئل کومننوس اول ساخته شد و پس از فتح شهر از سوی ترکان، به مسجد تبدیل گردیده، در سال (۶۲-۱۹۵۸م) تعمیر اساسی شده و از سال ۱۹۶۴م به موزه تبدیل و برای بازدید مردم گشایش یافته است. کلیسا از معماری سالهای واپسین بیزانس برخوردار می باشد.

در کنار معبد، قلعه چهار پهلو در سال ۱۴۲۷م احداث و ضمیمه کلیسا گردیده است. در حال حاضر در حیاط گسترده، سنگهای قبور عثمانی، صلیب صیقلی بر روی مرمر سفید (۱۳۰۴م)، کتیبه خاتونیه مکتبی (۵۱۳۱۷.ق)، کتیبه های متعدد سنگی راجع به چشمه های دیواری طرابزون، آرم مه واختر ترکان نقره شده بر روی سنگ که دارای ستاره ۸ پر می باشد. تابلوی سنگی ساختمان گمرک و قبور متعدد راجع به خانواده سلطان سلیمان قانونی، از آن جمله قمر سلطان (۱۵۰۳م) در فضای آزاد نگهداری می شوند.

#### قصر آتاتورک ( ) :

یکی از ثروتمندان یونانی تبار به نام کنستانتین کابایانیدیس در سال ۱۲۶۹ خورشیدی، اقدام به احداث قصر شخصی در محله ((سویوق سو)) می نماید. در تاریخ ۱۳۰۲ ش، پس از مبادله اتباع دو کشور ترکیه و یونان، قصر بی صاحب با عرصه گسترده و سرسبزش جزو اموال دولت بشمار می آید. در تاریخ ۱۳۰۲ ش، مصطفی کمال (آتاتورک) رئیس جمهور کشور، سفری به طرابزون کرده و هنگام بازدید از درون قصر، از ساختار چنین اثر نفیس خیلی خوشش می آید. بنابراین در تاریخ ۱۳۱۰ ش، از سوی استاندار وقت به عنوان ارمغان مردم طرابزون به ایشان اهدا می گردد. پس از فقدان آتاتورک (۱۳۱۷ ش) به عنوان ارثیه به خواهرش مقبوله می رسد. تا اینکه در تاریخ ۱۳۲۲ ش از

سوی شهرداری طرابزون خریداری و به موزه تبدیل و جهت بازدید مردم گشایش می یابد.

در مدخل ساختمان اتاقهای استراحت، غذاخوری و مهمانی قرار دارند. در طبقه اول اتاق خواب و همچنین اتاق معاون و محافظ به چشم می خورند. در طبقه دوم، یک سالن، دو باب اتاق بزرگ، یکی برای خواب و دیگری برای گردهایی قرار گرفته اند. طبقه سوم انباری و زیرزمین تاسیساتی است. دو بالکن مستطیل شمالی و شرقی ساختمان جهت تماشای اطراف بسیار زیبنده و دلگشا هستند.

\* هنر بیان اندیشه به وسیله حرکات دست و صورت

داش خان (ساختمان سنگی) یا مرکز سنگهای براق اولتو (کهریای سیاه):

بنای تاریخی دو طبقه است که به شکل چهار گوش از جنس سنگ قالبی بزرگ ساخته شده و در محله ((چهارسوق)) قرار گرفته است. در مغازه های متعدد و به هم پیوسته انواع و اقسام زینت آلات بانوان را از سنگهای معدنی سیاه و زمرد تولید و در معرض

فروش قرار داده اند. دریغا که کالاهای عرضه شده فاقد فاکتور فروش هستند.

((کتاب دده قورقود)) (ق ۱۲-۱۱م) قدیمی ترین نوشته ادبیات شفاهی مردم آذربایجان است که ۱۲ داستان طایفه اوغوز را شامل می شود.

یکی از آن قصه ها به نام سرگذشت عشقی و قهرمانی ((قانتورالی)) است که در درون قلعه باستانی طرابزون جان گرفته است.

((قانلی قوجا)) برای یافتن همسری لایق به پسرش ((قانتورالی)) دیار اوغوز درونی و بیرونی رازیر پا گذاشت ولی دختر لایقی در شان پسرش پیدا نکرد تا اینکه با دوست ریش سفید کرده اش، به دیار کفریعی طرابزون روانه گردید، در آن سرزمین از دختر زیباروی و زردپوش حکمران بنام ((سالجان خاتون)) سراغ گرفت، شگفتا که پدر شرط ازدواج دخترش را چنین مقرر داشته بود: هر دلاوری که بتواند گاو نر، شیر درنده و شتر تندرو، پرورده قصر را زمین زده و سر ببرد، دختر از آن وی خواهد بود. ((قانلی قوجا)) به دیار اوغوز برگشته و پسرش را از موضوع آگاه ساخت. قانتورالی به همراه ۴۰ دلاور عازم طرابزون شد، حکمران از آنان استقبال نمود و پذیرایی لازم را بعمل آورد.

قانتورالی در میدان مبارزه حاضر شد و با دست و پنجه نرم کردن و سربردن سر حیوان قوی جثه و نیرومند، دختره را از آن خود نمود. سالجان خاتون که از کلاه فرنگی عمارت نظاره گر نبرد بود، نه یک دل بلکه صد دل عاشق قانتورالی شد. دلاور اوغوز پس از پیروزی از پدر و مادر سالجان خاتون خداحافظی کرده و به همراه همسر و دلاورانش روانه دیار اوغوز شد. پدر و مادر قانتورالی با استقبال گرم از آنان، هفت شبانه روز جشن عروسی و شادی برپا داشتند.

پایان سخن اینکه شهر باستانی طرابزون ملقب به شهر زمردی دریای سیاه، در مسیر راه ابریشم و مابین اروپا و آسیا قرار گرفته و پل ارتباطی کشورهای قفقاز و آسیای میانه است. در طول تاریخ سلطان سلیمان قانونی تا ۱۵ سالگی در این شهر زیسته و یاوز سلطان سلیم ۲۲ سال استانداری طرابزون را بعهده داشته و جهانگردان مشهور مانند مارکوپولو و اولیا چلی، این شهر شهزاده پرور را به نیکی ستوده اند.

((دیر سومنلا)) (یا تابلوی نقاشی طبیعت).

از اینکه در افواه مردم کوچه و بازار این مرز و بوم، جمله: سومنلانی گورمه یین آدام، سانکی طرابزونی گورمه میشدیر (کسی که سومنلا راننده باشد، مثل اینکه طرابزون را ندیده است)، افراد کاروان را به اشتیاق آورد که از آنجا هم دیدن نمایند. لذا ساعت ۴ بعد از ظهر، اتوبوس کاروان در مسیر جاده ۴۸ کیلومتری جنوبی طرابزون بسوی سومنلا روانه شد. در طول راه درختان جنگلی تنومند در دو طرف جاده آسفالت صاف کشیده و کوهها و گودالها را خرقه ی سبز طبیعت مستور کرده بود. ماشین پس از پشت سر گذاشتن شهرک ((ماچقا)) بسوی جنوب شرقی پیچید، دقایقی بعد در جلو کافه های چایی روباز و فروشگاههای کادویی که در کنار رود خروشان قرار گرفته اند، پارک کرد. همگی با مینی بوسهای کوچک، راه فرعی ماریچ سه کیلومتری آسفالت را در نور دیده و پس از ۳۰۰ متر پیاده روی در مسیر سربالایی پردرخت و سنگستان پر فراز و نشیب و گاهی دارای ریشه درختان جنگلی که مانند مارهای نازک و کلفت بهم دیگر تداخل پیدا کرده بودند، در یک فضای مه آلود و رویایی به ورودی سومنلا رسیدیم.

دیر سومنلا با نام دیگرش صومعه حضرت مریم در دامنه کوه بلند و عظیمی به نام ((قارانلیق داغ)) بشکل تورفتگی قرار گرفته و یکی از امکنه مقدس ارتدکسها بشمار می رود. برخی از مؤمنان مسیحی باور دارند که تصویر ((روی چوب)) حضرت مریم را که لوقای مقدس کشیده یود، تا سال ۱۳۰۳ خورشیدی بطور پنهانی در همین غرلنگاه نگهداری می نمودند.

بنابه روایت افسانه ای، گویا در سال ۳۸۵ میلادی دونفر کشیش از شهر باستانی آتن به این محل آمده و دیر را احداث کرده اند.

در اواسط قرن ۱۴م. در دوران حکمرانی پونتوس ((آلکسیوس کومننوس سوم)) اتاق های کشیشان را ساخته و مجتمع را گسترده تر نموده و وضع کنونی را به وجود آورده است.

پس از اینکه در سال ۱۴۶۱م. منطقه به دست ترکان عثمانی افتاد، دیر از سوی پادشاهان عثمانی تحت مراقبت قرار گرفت.

در سال ۱۳۰۲ خورشیدی که مبادله اتباع یونانی و ترک انجام یافت، پس از مهاجرت یونانیان آناتولی، سومنلا نیز متروک ماند. فقط در سال ۱۳۵۱ش. با گماشتن یک نفر سرایدار از سوی وزارت فرهنگ و گردشگری، بطور رسمی تحت محافظت دولت جمهوری ترکیه قرار گرفت.

این اثر تاریخی، در طول زمان با تخریب طبیعت، انسان و آتشیسوزی (۱۳۰۹ ش) روبرو شده است، هنوز هم از تعمیرات اساسی برخوردار نیست.

سنگ تراشان ماهر یونانی تا درب اصلی دیر، ۶۴ پله سنگی را از خود صخره تراشیده و به سکوی گسترده وصل کرده اند.

از سوی چپ (غرب) پله ها لوله کشی آب امتداد پیدا کرده و در طرف راست (شرق) پرتگاه بزرگ و هولناک تماشاگر را به شگفتی و دهشت وا می دارد.

کلیسای بزرگ (مانندگار) که در حدود ۴۰۰ متر زمین سنگی را دربر گرفته دارای کتیبه به زبان یونانی و نمای خوشایند و نقشهای گوناگون دیواری است.

سومنلا در بین قرون ۱۳-۱۹م. عصر طلایی اش را سپری نموده است.

هنگامی که انسان در بلندای کوه عظیم صخره ای سومنلا محو تماشای فضای مه آلود سرسبز و پرتگاه ژرف می شود و عظمت والای زحمت دست انسان را بطور شفاف مشاهده مینماید زندگی مادی و مصرف گرایی و چشم وهم چشمی را بفراموشی سپرده و خودش را در یک مکان مینووش و افسون کننده می پندارد.

پس از بازگشت از دیر سومنلا برخی از مسافران از فروشگاه زنجیره ای بین راهی خرید کردند و شام دریکی از غذاخوری های کنار جاده صرف شد.

در یک شب مهتابی همگی شادمان و مسرور و با داشتن کوله بار معنوی از زیبایی های طبیعی و تصاویر درون کلیسای صومعه حضرت مریم بسوی ارضروم همان شهر سردسیری که حضور کوراوغلی (روشن) و همراهانش را گرامی داشته بود روانه شدیم.

پس از پشت سر نهادن شهرها و آبادی های متعدد سپیده دم روز پنجشنبه ۲۳/۰۴/۱۳۹۰ ش (۱۴ تموز ۲۰۱۱ م) اتوبوس در نزدیکی های دانشگاه آتاتورک در فضای باز در جنب فروشگاه زنجیره ای اوزدمیر توقف پس از یک ساعت هواخوری ماشین مجدداً حرکت و پس از پشت سر نهادن دانشگاه ارضروم (۳۳۶ ش) و پارک وسیع عزیزیه در نزدیکی ایستگاه راه آهن توقف و صبحانه کره و غسل در پارک محسن یازجی اوغلی (۱۹۵۴-۲۰۰۹ م) صرف شد.

ارضروم تاریخی:

استان ارضروم دارای مساحت ۲۵۰۶۶ کیلومتر مربع باشهرهای ریزه، ارتوین، آرداهان، قارص، آعرنی، موش، بین، گول، ارزنجان و بایبورت محدود می باشد.

از نظر قدمت تاریخی دارای عمرشش هزار ساله است.

در منابع هیتیت، این دیار بنام کشور آرزوی هایاشا (-) قید شده است.

بعدا همین منطقه به نام دیاوئهی ( ) نامیده شد. نام شهر قبلاً با اسامی کارنونی، کارین و کارینتیس نامیده می شد. در قرن پنجم میلادی شهر نوین به نام ((ثودوسیو پولیس)) (شهر خداداد) نامیده شد. در قرن ۱۱ م شهر تجارت آزاد به نام آرزنی ( ) به اشغال ترکمنها درآمد و پناهندگان آرزنی به شهر ثودوسیو پولیس آمده، گویا نام شهر را آرزنی روم، آرزنی روم و آرزروم نامیدند و به مرور زمان نام شهر به ارضروم تبدیل گردید.

همین شهر تا سال ۱۸۳۰ میلادی در میان حصار قرار گرفته بود. تاسیس شهرداری ۱۲۲۴ ش و جمعیت ۲۴۲ / ۳۹۱ نفر می باشد.

ارضروم کنونی:

شهر ارضروم رابلوار کمر بندی بسان نگین انگشتی در میان گرفته است. خیابان مرکزی و پررفت و آمد آن را جمهوری جاده سی می نامند.

اغلب آثار تاریخی در دوسوی خیابان یاد شده و با کمی دورتر قرار گرفته اند از آن جمله میتوان از جفته مناره لی مدرسه (ق ۱۳ م که دارای حیاط وسیع ساختمان دوطبقه به ابعاد ۳۵×۴۶ متری باشد)، اولو جامع (مسجد بزرگ ۱۱۷۹ م)، لالا پاشا جامع (مسجد سمری) اولین مسجد عثمانیان در ارضروم، مسجد مراد پاشا، خانه آتاتورک، کلیسای اوشوانگ اثری از ماگیستراس باگراد (۹۷۳-۹۶۳ م) کلیسای هاو (مسجد سنگی بعدی) از سوی داود سوم (۱۰۰۱-۹۷۶ م) احداث شده است. کاروانسری رستم پاشا (۱۵۶۱ م) سه گنبد تاریخی همچنین از موزه های راه آهن، مدرسه ی یاقوتیه و قلعه ی باستانی ارضروم نام برد.

جایگاهی به نام تبریز قاپیسی که در دل شهر ارضروم قرار گرفته یادبودی از ایستگاه میدا مسافرت طاقت فرسای سده های گذشته رادردهن انسان تداعی نموده و برای هر آذربایجانی دیدن تابلوی ایستگاه اتوبوس ((تبریز قاپیسی)) در خارج از کشور غرور آفرین می باشد.

موزه ی راه آهن:

مجتمع ساختمانی ایستگاه راه آهن ارضروم در سال ۱۳۱۵ خورشیدی ساخته شده و موزه اش در سال ۱۳۱۸ ش، گشایش و در اختیار بازدید مردم قرار گرفته است.

فرصت خوبی پیش آمد تا به اتفاق همسفران، از موزه یاد شده دیدار نماییم.

آقای عباس عادلنی از طرف مسافران از مهمان نوازی مردم ارضروم و راهنمایی و توضیحات صمیمانه مدیر موزه تشکر و دفتر یادبود را امضا کردند.

در مدخل و سالن موزه در درون قفسه های مرتب و روی میزهای مختلف اشیا متعدد قدیمی مربوط به امور راه آهن، بازدید کنندگان را به شگفتی وا می داشت، برخی از اشیا موزه به شرح ذیل میباشد:

وسایل روشنایی از قبیل فانوسهای قدیمی، دستگاه مورس، ماشین تحریر (نواری)، پرموس نفتی که با تلمبه زدن کار میکند، الکلی صنعتی قرمز، تلفن های دسته دار قدیمی، ساعت های متعدد رومیزی و دیواری، حوله بزرگ با بافت سمبل... (راه آهن دولتی جمهوری ترکیه) و صدها اشیا قدیمی دیگر.

موزه یا قوتیه\*: (باستان شناسی)

مجتمع گسترده مدرسه یا قوتیه (۱۳۱۰ م) در حال حاضر موزه آثار اسلامی و نژاد شناسی میباشد.

در درون قفسه های بزرگ (باروشنائی اتوماتیک) اشیا متعدد قدیمی نگهداری می شوند، از آن جمله میتوان از: سه پایه معکوس سنگی به نام اوجاق، دیگ سفالی، یخت، سنگ پای افقی پهن جهت تمیز کردن سنبل ها، فسیل های متعدد، سکه های قدیمی ۱۴۵۰- ۱۱۴۸ م، آثار هلنی و روم، ظروف گلدانی، لحد سفالی و چوبی و سنگی با سوراخ ورودی مرده و سوراخهای کمکی در پایین جهت جابه جا

کردن کالبد، دوران هخامنشی در آناتولی، اسب گلی، کاسه و کوزه های قدیمی، ناقوس کلیسا\* با نقوش و نوشته های زبان روسی به ارتفاع ۱/۵ متر، سنگ های کتیبه ای با خطوط میخی، دوران اوراتور (۷۶۴-۷۸۶ ق.م) النگو ها با سر حیوان، سرامیک های منقوش، شعر (تورک بیلماز) کاظم قارا بکیر، شرح کنگره ارضروم ۱۹۱۹-۷۱۱-۲۳ و صد ها اشیا نفیس قدیمی نام برد.

قلعه ی ارضروم:

قدمت قلعه به دوران اوراتورها می رسد ولی قلعه ی تودرتوی بعدی به امر ((تئودوروس)) (امپراتور بیزانس) ساخته شده است. قلعه درونی با ۸ برج جهت

محافظت شهر و قلعه بیرونی با دو طبقه و با ۱۰ برج جهت سکونت مردم مورد استفاده قرار می گرفت.

قلعه با ۸۰ پله صعودی مشرف به شهر میباشد. هنگامی که انسان در اتاقک سر قلعه ایستاده و شهر ارضروم و کوههای گرداگردش را می نگرد، چنین تصور می نماید که شهر در اختیار وی قرار گرفته شده است.

زنگ سقف قلعه در سال ۱۸۷۷م (۱۲۵۶ش) از شهر لندن آورده شده است.

هنگام عصر، به شهر باستانی و زبانزد ارضروم که پایانه سفر بشمار می رفت به درود گفته و با اتوبوس کاروان بسوی ایران حرکت کردیم، در بین راه از فروشگاه زنجیره ای ((اؤزدمیر)) خرید های لازم انجام یافت و پس از پشت سر نهادن استان آغری و کوههای آغری (آارات بزرگ ۵۱۲۲ متر) و کوچک (۳۸۹۶ متر) از مرز گوربولاق ترکیه و مرز بازرگان ایران گذشته و بامداد روز جمعه (۱۳۹۰/۴/۲۴ش) به شبستر رسیدیم. پس از خداحافظی از همسفران هر کسی نسبت به سهم و برداشت شخصی با کوله بار مادی یا معنوی راه منزل خویش را در پیش گرفت.

\*- محل موزه چند بار جابجا شده است\* - بزرگترین ناقوسها در شهر مسکو ساخته می شود

سخن کوتاه در باره سفر:

سفر ویا گردشگری انسان را پخته تر، ذهنش را روشنتر، تجربه اش را فزونتر و واقف دیدش را گسترده تر نموده و آشنایی اش را با فرهنگ مدنیت، آداب و رسوم، میراث فرهنگی و معماری ملل دیگر غنا می بخشد.

محمد علی نقابی ۱۳۹۰/۵/۱۱

واژه نامه:

- ۱- یاشیل میشو، ارگانی است مردمی که در سال ۱۳۷۸ خورشیدی به همت والای کوهنوردان محلی و دوست داران محیط زیست تاسیس یافته است. ۲- عارف ربانی مولف گلشن راز.
- ۳- طنز پرداز واقعی (۷ حوت ۱۲۵۲ شبستر ۱۲ شهریور ۱۳۱۳ شاهرود)
- ۴- بای یزید (آقای یزید)
- ۵- از اینکه شهر قدیمی یعنی قلعه وسطی و بالایی بطور مستطیل ساخته شده بود. لذا نام شهر را مستطیل نهادند.
- ۶- آناتولی یعنی مشرق
- ۷- روستاوتلی آفریننده اثر پهلوان پلنگ پوستین که از بهترین نمونه ادبیات گرجی بشمار می رود.
- ۸- کور (به معنی آب و رود می باشد).
- ۹- تئاترون یعنی نمایشگاه. منشا تئاتر گرجی اتهام گرفته از زراعت روستائیان بت پرستی، مراسم مذهبی ارتدکس، و پندارهای اسرار آمیز اساطیری میباشد.
- ۱۰- حصار تفلیس مربوط به سده های ۱۸ و ۱۹ میلادی است.
- ۱۱- ایاصوفیه (دانش خدائی) در استانبول، طرابوزون و از نیک. هر سه واحد متعلق به ارتدکسها است.
- ۱۲- آقای احمد سلیمی فرد مؤلف کتاب (نگاهی به تاریخ و جغرافیای شبستر- تسوج- صوفیان) در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در شهر استانبول چشم به جهان گشود و در سه سالگی به اتفاق پدر و مادرش به ایران آمده و در روستای دیزج خلیل ساکن شد. پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه در سال ۱۳۴۳ش. فارغ التحصیل در رشته تاریخ و جغرافیا موفق به اخذ درجه لیسانس گردید.

منابع کمکی:

\* رهنمود های مفید آقای عباسعلی طربخواه و دائره المعارف ترکی

\* طراح و ویرایشگر: حسن عادل‌نیاز از اعضا شرکت کننده و عضو گروه زیست محیطی یاشیل میشو